هشدار درباره کلاهبرداری با اینترنت رایگان انتخابات

معاون اجتماعی پلیس پیشگیری تهران بزرگ از متقاضیان دریافت بسته اینترنت رایگان انتخابات خواست که برای دریافت آن به سامانه ثبت نام هدیه‌های مناسبتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مراجعه کنند.

به گزارش جوان، سرهنگ وحید سلطانی پاجی توضیح داد: در حال حاضر شرایط دریافت اینترنت رایگان ویژه انتخابات از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات فراهم شده است و از آنجا که احتمال کلاهبرداری از سوی افراد فرصت طلب وجود دارد متقاضیان برای فعال‌سازی آن به سایت ictgifts.ir مراجعه کنند و بر اساس جدول اعلام شده، اقدام کنند.

وی با تأکید بر اینکه هیچگونه پیامک و سامانه دیگری برای دریافت این بسته اینترنتی وجود ندارد ادامه داد: شهروندان در صورت دریافت پیامک یا تماس برای ثبت‌نام بسته اینترنت مورد نظر، به هیچ عنوان به آن توجه نکنند و از قرار دادن اطلاعات فردی و بانکی‌شان پرهیز کنند.

محاکمه پزشک متخصص پس از درمان کرونا

پزشک متخصص که به اتهام تعرض به یکی از دستیارانش به شلاق و تبعید محکوم شده دوباره محاکمه می‌شود. جلسه رسیدگی به پرونده قرار بود روز گذشته برگزار شود که به دلیل ابتلای متهم به بیماری کرونا به زمان دیگری موکول شد.

به گزارش جوان، سال گذشته زن جوانی به نام سارا به اداره پلیس تهران رفت و از یک پزشک متخصص به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد. او در طرح شکایتش به مأموران گفت: «چند سال قبل به عنوان دستیار پزشک متخصص در یکی از بیمارستان‌های معروف تهران مشغول کار شدم. پزشک مردی جوان بود و می‌دانستم متأهل است. همسر او هم پزشک بود و در بیمارستان دیگری مشغول کار بود.»

وی ادامه داد: «امروز در اتاقم مشغول رسیدگی به کارهای بیمارستان بودم که وارد شد. لحظاتی بعد بود که بالای سرم ایستاد و درخواست رابطه کرد. من از حرفش ناراحت شدم و خواستم عذرخواهی کند و خیلی زود اتاقم را ترک کند و به دنبال کارش برود. در حالی که به شدت ناراحت شده بودم ناگهان به سمتم حمله کرد و به زور من را آزار داد که از او شکایت دارم.»

با طرح این شکایت زن جوان به پزشکی قانونی معرفی شد و گزارش صادر شده در این باره نشان داد که حرف‌های او درست است. بنابراین پزشک متخصص بازداشت شد. مرد پزشک در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد و مدعی شد شاکی به میل خودش با او رابطه داشته است. او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «شاکی سال‌ها به عنوان دستیار در بیمارستانی مشغول کار بود. در این سال‌ها او به خواست خودش با من رابطه دارد. حتی یکبار او را هم صیغه کردم به همین خاطر فکر می‌کرد قصد دارم همسرم را طلاق بدهم و او را به عقد دائم در بیاورم. او وقتی متوجه شد اشتباه کرده است و قصد جدایی از همسرم را ندارم علیه من شکایت کرد تا آبروی مرا ببرد.»

با انکار متهم، مأموران برای اثبات این ادعا با بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه دریافتند شاکی با مرد پزشک رابطه پنهانی داشته است. به این ترتیب پرونده برای کامل شدن تحقیقات و جلسه رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی یکی از شعبات دادگاه قرار گرفت.

در جلسه رسیدگی به پرونده دستیار پزشک علیه متهم شکایت کرد و با توضیح حادثه برای او درخواست مجازات کرد. سپس متهم در جایگاه ایستاد و اتهامش را انکار کرد و مدعی شد که شاکی به درخواست خودش با او وارد رابطه شده بود. بعد از ختم جلسه هیئت قضایی متهم را به ۹۹ ضربه شلاق و تبعید به منطقه بد آب و هوا محکوم کرد. رأی صادر شده، اما از سوی شاکی و متهم مورد اعتراض قرار گرفت. اعتراض وارد شده از سوی هیئت رسیدگی کننده مورد پذیرش قرار گرفت و رأی صادر شده نقض و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم عرض ارجاع شد.

با ارسال پرونده به دادگاه متهم قرار بود در نوبت رسیدگی در شعبه نهم دادگاه محاکمه شود، اما به خاطر ابتلای به ویروس کرونا جلسه به تاریخ دیگری موکول شد.

خواهران تحصیلکرده لباس برای خود و کارتن خواب‌ها می‌دزدیدند!

دو خواهر جوان پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه همراه خواهر کوچکترشان دست به سرقت‌های سریالی از بوتیک‌های زنانه می‌زدند. متهمان پس از دستگیری مدعی شدند که پس از پایان دانشگاه کاری پیدا نکرده‌اند و همیشه در حسرت پوشیدن لباس و کفش نو بوده‌اند و به همین دلیل دست به سرقت می‌زدند و بعضی از لباس‌های سرقتی را هم به کارتن خواب‌ها می‌دادند!

به گزارش جوان، چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید سه دختر جوان به مغازه لباس فروشی در یکی از خیابان مرکزی رفته و پس از سرقت تعدادی لباس از آنجا گریخته‌اند. صاحب مغازه که مرد جوانی بود به مأموران پلیس گفت: چند سالی است که مغازه لباس فروشی زنانه دارم. مشتریان زیادی دارم و هر روز هم تعداد زیادی لباس می‌فروشم به همین خاطر همیشه شاگردم خرید و فروش‌هایم را در دفتر ثبت می‌کند و آخر شب هم حساب و کتاب‌هایمان را انجام می‌دهیم. شب قبل پس از بررسی خرید و فروش‌ها متوجه شدم دو دست لباس گرانقیمت داخل بوتیک نیست.

دوباره با شاگردم حساب و کتاب‌هایمان را بررسی کردیم که متوجه شدیم دو دست لباس در دفتر ثبت نشده و پول آن هم دریافت نشده‌است که احتمال دادیم دو دست لباس سرقت شده است. به همین خاطر دوربین‌های مداربسته را بررسی کردیم. دوربین‌ها در ساعتی که تعداد زیادی مشتری زن داخل مغازه‌ام بودند و سرم خیلی شلوغ بود نشان داد سه دختر جوان وارد مغازه‌ام شدند و به بهانه خرید تعداد زیادی لباس همراه خود به رختکن مغازه بردند، اما در نهایت بدون خرید از مغازه‌ام بیرون رفتند که در بررسی‌های بعدی متوجه شدم آن دو دست لباس گمشده را هم آنها به رختکن بردند، اما تحویل ندادند و سرقت کردند.

سرقت مشابه

با شکایت مرد جوان پرونده به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

همزمان با ادامه تحقیقات برای شناسایی سارقان شکایت‌های مشابه‌ای به مأموران پلیس رسید که حکایت از آن داشت سه سارق از تعدادی بوتیک لباس فروشی سرقت کرده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌داد معمولاً دو نفر از سارقان، صاحب مغازه را سرگرم می‌کنند و نفر سوم هم در شلوغی مغازه دست به سرقت می‌زند. بدین ترتیب بررسی‌های مأموران ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل مرد ساعت فروشی با اداره پلیس تماس گرفت و گفت سه دختر جوان پس از سرقت از مغازه‌اش در حال فرار هستند. با اعلام این خبر بلافاصله تیمی از مأموران راهی محل شدند و در تعقیب و گریزی کوتاه یکی از سارقان را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

صاحب ساعت فروشی گفت: دقایقی قبل سه زن جوان وارد مغازه‌ام شدند و مدعی بودند که قصد خرید ساعت دارند. آنها در چند دقیقه‌ای که داخل مغازه‌ام بودند تعداد زیادی ساعت از داخل ویترین برداشتند و به دست کردند و در آخر هم بدون خرید از مغازه‌ام بیرون رفتند که متوجه شدم یکی از ساعت‌های گرانقیمتم داخل ویترین نیست. به سرعت به داخل خیابان رفتم و آنها را صدا زدم، اما آنها فرار کردند و در حین فرار هم ساعت سرقتی از جیب یکی از آنها بیرون افتاد که بلافاصله موضوع را به اداره پلیس خبر دادم و مأموران هم یکی از آنها را دستگیر کردند.

خواهران سارق

متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر سرقت شد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به سرقت‌های سریالی با همدستی دو خواهرش اعتراف کرد. وی گفت: من و خواهرم تحصیلکرده هستیم و مدتی قبل فارغ التحصیل شدم، اما کاری پیدا نکردم و به همین دلیل نقشه سرقت از مغازه‌های لباس فروشی را طراحی و اجرا کردم که در آخرین سرقت از مغازه ساعت فروشی به دام افتادم.

با اعتراف متهم، مأموران پلیس دو خواهر دیگر او را هم بازداشت کردند. سه متهم پس از اعتراف به جرم خود به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با یکی از سارقان

شما گفته بودی فارغ التحصیل دانشگاه هستی، چه شد که تصمیم گرفتی با خواهرانت سرقت کنی؟

وقتی بیکار باشی و پولی نداشته باشی برای خودت، خواهرت و مادرت لباس و کفش بخری و همیشه در حسرت لباس و کفش نو باشی فکر دیگری به ذهنت نمی‌رسد.

پدرشما چه کاره است؟

پدرم فوت کرده است. البته زمانی هم که زنده بود وضع مالی خوبی نداشت. چون زمانی که با مادرم ازدواج کرد همه خانواده‌اش مخالفت بودند و او را طرد کردند و به همین خاطر همیشه با مشکل مالی روبه‌رو بود، اما سعی کرد ما ادامه تحصیل بدهیم تا اینکه من در تهران قبول شدم و برای ادامه تحصیل به تهران آمدم.

چه شد که خواهرانت را وارد سرقت کردی؟

مدتی قبل هم خواهر دیگرم دانشگاه قبول شد و به تهران آمد که مادرم هم همراه خواهر کوچکم به تهران آمدند و چهار نفری برای زندگی خانه‌ای اجاره کردیم. تمام بستگانمان وضع مالی خوبی داشتند و در مهمانی‌ها هم لباس‌های مارک دار و گرانقیمت می‌پوشیدند، اما ما نداشتیم. من فارغ‌التحصیل شدم اما کاری پیدا نکردم که همراه خواهرانم تصمیم به سرقت گرفتیم تا حسرت پوشیدن لباس را نداشته باشیم.

درباره سرقت‌ها توضیح بده.

من زیر مانتو کیسه بزرگی می‌پوشیدم و سه نفری به داخل مغازه می‌رفتیم. معمولاً من مدل‌های مختلفی را از صاحب مغازه می‌گرفتم و تست می‌کردم و خواهرانم هم سر صاحب مغازه را گرم می‌کردند و من هم در فرصت مناسب دو یا سه عدد لباس را داخل کیسه‌ام می‌گذاشتم و بعد به بهانه حرف زدن با تلفن از مغازه بیرون می‌آمدم و دو خواهرم نیز دقایقی بعد بیرون می‌آمدند.

شیوه کیسه از کجا به ذهنت رسید؟

مدتی قبل در کلیپ کوتاهی دیدم که زنی کیسه‌ای زیر لباسش دارد و وسایل سرقتی را داخل آن می‌گذارد.

لباس‌های سرقتی را می‌فروختید؟

نه می‌پوشیدیم و بعضی از لباس‌ها و کیف و کفش‌های سرقتی را هم به کارتن خواب‌ها می‌دادیم.

چرا؟

نمی‌خواستم آنها و خانواده‌هایشان در حسرت لباس نو باشند.

سفارش طناب دار برای قاتل صاحب بوتیک

حکم قصاص مجرم سابقه‌دار که به اتهام قتل صاحب بوتیک به مرگ محکوم شده بود در دیوان عالی کشور تأیید شد.

به گزارش جوان، چهارم مردادسال ۹۸، مأموران پلیس از درگیری خونین مقابل یک مغازه لباس‌فروشی در شهرستان ورامین باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد در آن درگیری صاحب مغازه که مرد ۳۷ساله به نام محسن بود بر اثر چند ضربه چاقو راهی بیمارستان شده است. عاملان درگیری نیز دو برادر به نام‌های رضا و چنگیز بودند که از سوی شاهدان حادثه بازداشت شده بودند.

دو برادر به پلیس آگاهی منتقل شدند تا اینکه از بیمارستان خبر رسید محسن به خاطر شدت جراحات و خونریزی فوت کرده است. به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و دو برادر به اتهام قتل عمد بازجویی شدند.

یکی از آنها که چند سابقه کیفری در پرونده‌اش داشت قتل را گردن گرفت و در شرح ماجرا گفت: «روز حادثه برای خرید لباس به مغازه محسن رفتم. او چند لباس آورد و یکی از آنها را انتخاب کردم، اما از او خواستم تا تخفیف بدهد. چند بار اصرار کردم اما او قبول نکرد و گفت تخفیف ندارد. سر همین موضوع با هم درگیر شدیم و در آن درگیری محسن با میله آهنی که در مغازه داشت به من حمله کرد و مرا از مغازه بیرون کرد. از رفتار او خیلی عصبانی شدم به همین خاطر با چوب و چاقو دوباره وارد مغازه‌اش شدم. محسن از شدت عصبانیت پیراهنش را از تنش درآورد و درگیری بالا گرفت. سپس با میله آهنی چند ضربه به من زد. به تلافی اینکار من هم چاقو کشیدم، اما می‌خواستم به کتف او ضربه بزنم اما حرکت کرد و چاقو ناخواسته به شاهرگ او برخورد کرد.» متهم درخصوص سابقه کیفری‌اش گفت: «پنج‌سال قبل به خاطر حمل مواد مخدر دستگیر شدم و به زندان افتادم. به تازگی از زندان آزاد شده‌بودم و حالا به اتهام قتل عمد بازداشت شده‌ام.»

او درباره حضور برادرش در حادثه گفت: «برادرم در این حادثه نقشی نداشت. او قصاب بود و مغازه‌اش چند مغازه بالاتر از مغازه لباس‌فروشی بود. وقتی درگیری بالا گرفت پسرم که همراه من بود به طرف مغازه او رفت. برادرم وقتی متوجه درگیری ما شد برای حمایت از من به مغازه مقتول آمد. باور کنید او ضربه‌ای به محسن نزد و من خودم به تنهایی مرتکب قتل شدم.»

با ثبت این اظهارات، برادر متهم نیز تحت بازجویی قرار گرفت. او با تأیید این اظهارات گفت: «آن روز در مغازه‌ام مشغول کار بودم که ناگهان برادرزاده‌ام هراسان وارد مغازه شد و گفت پدرش با صاحب یک مغازه لباس فروشی درگیر شده‌است. وقتی شنیدم برادرم چاقو همراه دارد نگران شد و بلافاصله به محل درگیری رفتم. دیدم مقتول لباسش را درآورده و در حال داد و فریاد است. برای میانجیگری وارد درگیری شدم که یکباره مقتول با میله آهنی به سر برادرم زد و برادرم نیز از شدت عصبانیت با چاقو به مقتول ضربه زد. هر چه تلاش کردم جلوی این کار را بگیرم حریف آنها نشدم. باور کنید در قتل نقشی نداشتم.»

دو برادر بنا به شواهد و قرائن موجود و گواهی شاهدان حادثه راهی زندان شدند و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اولین جلسه رسیدگی پرونده در شعبه دوم دادگاه به ریاست قاضی زالی تشکیل شد. ابتدای جلسه اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و درخواست قصاص کردند. در ادامه چنگیز مقابل هیئت قضایی قرار گرفت و گفت: «قتل را قبول دارم اما برادرم در این حادثه نقشی نداشت. من خودم به تنهایی دست به چاقو شدم و برادرم فقط به قصد حمایت از من در آن درگیری حضور داشت.» در ادامه رضا نیز در جایگاه ایستاد و گفت: «باور کنید آن روز قصد میانجیگری داشتم و به مقتول ضربه‌ای نزدم.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شور با توجه به مدارک در پرونده، با تبرئه برادر متهم، وی را به قصاص و پرداخت دیه محکوم کرد. این حکم به دیوان‌عالی کشور فرستاده شد و با تأیید آن متهم ۳۹ساله در آستانه مرگ قرار گرفت.

فرار مرد تیرانداز پس از قتل مسئول عمرانی حرم امامزاده صالح (ع)

مردی که با عصای سفید در حال عبور از مقابل خانه مسئول عمرانی حرم امامزاده صالح بود وی را با شلیک گلوله به قتل رساند و از محل متواری شد.

به گزارش جوان، ساعت حدود ۸صبح روز یک‌شنبه ۹خرداد مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش با تماس تلفنی شهروندی از حادثه خونین تیراندازی در خیابان رمضانی نزدیکی خیابان دزاشیب در شمال تهران باخبر و راهی محل شدند.

مأموران پلیس در محل حادثه نزدیکی ساختمان پلاک ۱۱ دریافتند لحظاتی قبل مرد ناشناسی مقابل ساختمان به یکی از اهالی ساختمان تیراندازی کرده و با خودرواش از محل گریخته است.

همچنین مشخص شد مرد زخمی برای درمان به بیمارستان تجریش منتقل شده است. سپس مأموران پلیس برای ادامه تحقیقات به بیمارستان رفتند که تیم پزشکی اعلام کرد مرد زخمی بر اثر شدت خونریزی داخل اتاق عمل به کام مرگ رفته‌است. با اعلام این خبر قاضی رحیم دشتبان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مقتول مهندس سعید طاهری، مسئول عمرانی امامزاده صالح است که با شلیک سه گلوله به قتل می‌رسد.

قاتلی با عصای سفید

مأموران پلیس در نخستین گام دوربین‌های مداربسته محل حادثه را بررسی کردند که نشان می‌داد لحظاتی قبل از حادثه مرد ناشناسی که ماسک بهداشتی به صورت و با لباس مبدل و عصای نابینایان در دست داشته در نزدیکی خانه مقتول کمین کرده‌است تا اینکه مهندس طاهری از خانه بیرون می‌آید. در این لحظه مرد نابینا همراه عصایش به طرف او می‌رود و ناگهان اسلحه کلتی را از جیبش بیرون می‌آورد و به سوی وی شلیک می‌کند. در حالی که مرد زخمی مقابل خانه‌اش خونین نقش بر زمین می‌شود، مرد تیرانداز به سرعت سوار خودروی سواری‌اش می‌شود و از محل فرار می‌کند.

مأموران پلیس در بررسی‌های بعدی دوربین‌های اطراف محل حادثه دریافتند قاتل پس از فرار خودرواش را در نزدیکی پارک جمشیدیه نگه می‌دارد و با بیرون آوردن لباس‌های مبدل و پوشیدن لباس‌های دیگر به فرارش ادامه می‌دهد.

همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی مأموران دست به تحقیقات میدانی زدند که مشخص شد وی با کسی اختلاف نداشته است.

همچنین خانواده مقتول در تحقیقات پلیسی اعلام کردند که مهندس طاهری با کسی اختلاف نداشته است.

آقای حسینی، معاون امور خدام حرم امامزاده صالح درباره مقتول گفت: مهندس طاهری از خدام رسمی آستان مقدس امامزاده صالح تجریش(ع) بود. او حدود ۴۵ سال سن داشت و از فعالان بسیج در منطقه بود. یکی از کارکنان حرم هم گفت که سعید دختری نوجوان و پسری جوان داشت. همسرش دکترای روانشناسی دارد.

وی گفت: عاملان حادثه سه نفر بودند که سعید را ابتدا با ضربه چاقو مجروح و سپس با شلیک گلوله به قتل رساندند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران پلیس در تلاشند تا قاتل فراری را دستگیر و راز این قتل را بر ملا کنند.

مرگ مرد سالخورده زیر آوار

ریزش ساختمان قدیمی در محله وحدت اسلامی مرگ مرد سالخورده را رقم زد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۱۰ روز شنبه همسایه‌های خانه‌ای قدیمی در کوچه فرزین، حوالی خیابان وحدت اسلامی آتش‌نشانان ایستگاه یک را از حادثه ریزش آوار با خبر کردند. با حضور امدادگران مشخص شد محل حادثه یک منزل دو طبقه قدیمی است که به علت نامشخصی یکی از اتاق‌های طبقه همکف به زیرزمین ریزش کرده است.

در بررسی‌های بیشتر مشخص شد که هنگام ریزش ساختمان پیرمردی ۷۰ساله در زیرزمین حضور داشته و زیر آوار گرفتار شده‌است. همزمان با ایمن‌سازی محل بود که امدادگران شروع به آواربرداری کردند و جسد مرد سالخورده را از میان آوار خارج کردند. بررسی‌های بیشتر نشان داد که دو یا سه روز از مرگ پیرمرد گذشته که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۵۸

آگهی اعلام مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سایپا se ۱۳۱ مدل ۹۸ پلاک ۷۳-۶۴۷د۷۹ ش موتور m۱۳/۶۴۰۱۱۰۰ ش شاسی ۱۱۱۰۰k۳۵۷۶۹۴۲ به نام: ابوذر هنر به کد ملی ۲۴۹۱۲۰۹۱۰۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز

آگهی اعلام مفقودی
سند کمپانی وانت اریسان تیپ pu۱ohvg.cng، مدل ۹۴ پلاک ۸۳-۶۵۳م۶۹ موتور ۱۱۸j۰۰۰۹۲۱۱، شاسی naab۶۶pe۱fv۵۲۱۸، به نام: پرویز زارعی فرزند مولودکد ملی ۳۸۰۱۲۸۴۹۹۹، مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز

آگهی اعلام مفقودی
سند کمپانی سولری پراید دی ام هاچ بک مدل ۷۵، پلاک ۷۳-۶۳د۹۲۷، موتور ۸۷۵۲۳۸، شاسی s۱۴۴۲۲۷۴۱۱۵۶۰۳، به نام: سپیده محمدی کدملی ۲۴۸۰۲۸۱۱۳۲، مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز

آگهی تغییرات شرکت
آگهی تغییرات شرکت کارا فن زرینه با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۵/۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۵۹۶۲۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. کامران کریمی مراغه به شماره ملی ۰۰۸۷۷۱۰۶۹۲ با پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت جزء سهامداران شرکت منظور شد. ۲. سرمایه شرکت از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به ۱/۰۵۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. لیست شرکا و میزان سهم الشرکه هریک: - ملکعلی کریمی مراغه دارنده ۹۵۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه. - مهران کریمی مراغه دارنده ۵۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه. - کامران کریمی مراغه دارنده ۵۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری میاندوآب (۱۱۴۲۶۵۹).

آگهی اعلام مفقودی
سند کمپانی پیکان مدل ۸۳ پلاک ۶۳-۹۸۳-ب ۴۸ موتور ۱۱۲۸۳۰۶۳۲۳۹_شاسی ۸۳۴۴۰۸۹۲ به نام: کنیز قائدی فرزند زینل، ش ش ۲ لارستان، مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز

آگهی اعلام مفقودی
کلیه مدارک موتورسیکلت کویر cdi ۱۲۵ پلاک ۹۹۳۲۴ ایران ۶۹۴ شماره موتور n۳c۲۱۰۹۷۶ ۰۱۲۵ شماره تنه N۳c***۱۲۵k۹۳۰۱۳۵۶ به نام: رسول زرین پور فرزند غلامعباس کدملی ۲۴۸۰۲۷۲۵۵۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز